

دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۱۰ عیسی و زن گناهکار، لوقا ۷: ۳۶-۵۰

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه دهم، عیسی و زن گناهکار، لوقا ۷: ۳۶-۵۰ است.

به مجموعه سخنرانی‌های آموزش الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

این افتخار بزرگی بود که توانستم با شما انجیل لوقا را مرور کنم و در مورد برخی از نکات کلیدی که از بحث حاصل می‌شود، فکر کنم. همانطور که احتمالاً در پایان سخنرانی ۹ مشاهده کردید، ما از جایی که یحیی تعمید دهنده شاگردانش را فرستاد تا بپرسند آیا عیسی همان است یا باید منتظر شخص دیگری باشند، عبور می‌کردیم و عیسی شاگردان را نزد یحیی فرستاد تا برای یحیی توضیح دهد که آنها فقط باید ببینند، باید آنچه را که دیده‌اند و آنچه را که شنیده‌اند به او بگویند. به این معنی که آنچه را که از نظر اعمال معجزه‌آسا، دیده‌اند و آنچه را که از نظر پیام انجیل شنیده‌اند، باید از تشخیص اینکه او در واقع مسیح آمده است راضی باشند.

همچنان که این سخنرانی را ادامه می‌دهیم، متوجه خواهید شد که مسئله هویت عیسی بارها و بارها مطرح خواهد شد. بنابراین، برای اینکه بتوانیم به راحتی از جایی که در سخنرانی ۹ به پایان رساندیم به سخنرانی ۱۰ برویم، اجازه دهید آخرین قسمتی را که از سخنرانی ۹ خواندم، بخوانم، که اصلاً روی آن وقت نگذاشتم، اما می‌خواهم فقط به شما نشان دهم که به کجا می‌رویم. بنابراین، از آیه ۲۹ از فصل ۷ تا آیه ۳۵ را خواندم.

پس مردم این نسل را به چه تشبیه کنم؟ آنها چگونه‌اند؟ مانند کودکانی هستند که در بازار نشسته‌اند و یکدیگر را صدا می‌زنند. ما برای شما نی نواختیم و شما نرقصیدید. ما نوحه خواندیم و شما گریه نکردید.

زیرا یحیی تعمید دهنده آمده است، نه نان می‌خورد و نه شراب می‌نوشد، و شما می‌گویید، او دیو دارد. پسر انسان آمده است، نه می‌خورد و نه می‌نوشد، و شما می‌گویید، به او نگاه کنید، یک شکم‌پرست و مست دوست باجگیران و گناهکاران، با این حال حکمت توسط همه فرزندانش توجیه می‌شود. عیسی از گفتمان جستجوی هویت که شاگردان یا پیروان یحیی تعمید دهنده برای ارائه آن آمده بودند، پیروی کرد.

اما او کل ماجرا را وارونه کرد و شروع به انتقاد از کاتبان و فریسیان به خاطر رد کردن مسائل اصلی که باید شناخته شوند، کرد. و او در اینجا در نوشته لوقا به طور خاص نه تنها به کاتبان، بلکه به فریسیان و حقوقدانان به عنوان کسانی که علت مشکل هستند اشاره می‌کند. لوقا در اینجا چیزی را مطرح می‌کند.

او این واقعیت را مطرح می‌کند که مسیح آمده است تا پیام انجیل را برساند، آیات و معجزاتی را در ملاء عام انجام می‌دهد، چیزهایی که آنقدر واضح هستند که دیده می‌شوند، و چیزهایی که آنقدر واضح هستند که شنیده و فهمیده می‌شوند، اما آنها نشنیدند. او با آن عبارت در مورد نواختن فلوت و رقص نکردن کودکان در عرصه عمومی صحبت می‌کند و دوباره از فریسیان انتقاد می‌کند. از نظر لوقا، مسئله انتظار است.

فریسیان انتظارات نابجایی دارند. یحیی آمد تا کار درست را انجام دهد، و آنها انواع انتقادات را علیه او داشتند. پسر انسان نیز می‌آید و کاری را که قرار است انجام دهد، انجام می‌دهد، و آنها می‌گویند، به او نگاه کنید.

او با گناهکاران و باجگیران غذا می خورد. او حتی شراب زیادی می نوشد و مست می شود. آنها به دلیل انتظارات نادرست، انواع نامها و انواع تصاویر را از او دارند.

حتماً به یاد دارید که قبلاً در این سخنرانی گفتم که در لوقا، فریسیان همیشه شخصیت های منفی نیستند اما در اینجا یکی از مواردی را مطرح می کنم که عیسی به خاطر انتظارات نابجا، فریسیان را مورد انتقاد قرار می دهد. همانطور که به بخش بعدی می رویم، جایی که من امروز بر سخنرانی اصلی تمرکز خواهم کرد، شما شاهد یک پارادوکس دیگر در پذیرش دعوت یک فریسی توسط عیسی خواهید بود، اگر بخواهم آن را اینگونه بیان کنم.

جایی که او خود را در جمع بسیاری از فریسیان می بیند، اگر دوست دارید کباب می خورند و فقط از با هم بودن لذت می برند، و با این حال چیزی در آن صحنه پدیدار می شود. این باعث می شود عیسی به فریسیان بازگردد. باز هم، فریسیان همیشه شخصیت های بدی در لوقا نیستند، اما جایی که اشتباه می کنند، عیسی آنها را سرزنش می کند و مورد خطاب قرار می دهد، و لوقا به سرعت این را برای ما به تصویر می کشد.

نکته ای که لوقا در متنی که خواندم به آن اشاره کرد، به بهترین شکل در نقل قولی از هاوارد مارشال که برای شما روی صفحه نمایش داده ام، توضیح داده شده است. این نکته ممکن است کلی تر باشد. نکته ای کلی اینکه همانطور که برخی از کودکان از انجام بازی های پیشنهادی امتناع ورزیدند، یهودیان نیز تمام پیشنهادهای خدا را رد کردند.

در این اشاره خاص به فریسیان و کاتبان. حالا سریع بحث را پیش می بریم، پس لطفاً این ایده را در ذهن داشته باشید که عیسی فقط حرف های نه چندان خوشایندی در مورد فریسیان و فقها برای گفتن داشته است. و سپس به آیه ۳۶ می رویم و خواهیم دید که در آنجا با عیسی و فریسیان چه اتفاقی خواهد افتاد.

در آیه ۳۶ می خوانیم، یکی از فریسیان از او خواست که با او غذا بخورد، و او به خانه فریسی رفت و بر سر سفره نشست. ناگاه زنی از اهالی شهر که گناهکار بود، چون شنید که او در خانه فریسی بر سر سفره نشسته است، شیشه ای مرمرین از عطر آورد. و پشت سر او، کنار پاهایش ایستاد و گریان، شروع کرد به خیس کردن پاهای او با اشک هایش و خشک کردن آنها با موی سرش، و پاهایش را بوسید و با عطر تدهین کرد.

آیه ۳۹، وقتی فریسیانی که او را دعوت کرده بودند این را دیدند، با خود گفت «: اگر این مرد پیامبر بود می دانست این زن که او را لمس می کند کیست و چگونه زنی است، زیرا او گناهکار است.» و عیسی در جواب به او گفت «: ای شمعون، که نام آن گروه فریسی است، چیزی دارم که به تو بگویم.» و او پاسخ داد «: ای استاد، بگو»

شخصی دو بدهکار داشت؛ یکی پانصد دینار و دیگری پنجاه دینار. وقتی آنها نتوانستند بدهی خود را بپردازند، او بدهی آنها را بخشید. حال، کدام یک از آنها او را بیشتر دوست خواهد داشت؟ شمعون پاسخ داد: گمان می کنم آن کسی که قرض بزرگ را به خاطر او بخشیده است.

و او که عیسی بود، به او گفت «: درست قضاوت کردی.» سپس رو به زن کرد و به شمعون گفت «: این زن را می بینی؟ من به خانه ات آمدم و تو به پاهایم آب ندادی. اما او پاهایم را با اشک هایش خیس کرد و با «: موهایش خشک نمود»

تو مرا نبوسیدی، اما از وقتی که من آمدم، او از بوسیدن پاهایم دست نکشیده است. تو سرم را با روغن مسح نکردی، اما او پاهایم را با پماد مسح کرده است. بنابراین، به تو می گویم، گناهان او که بسیارند بخشیده شده اند.

« زیرا او بسیار محبت می‌کرد، اما کسی که کمتر بخشیده می‌شود، کمتر محبت می‌کند. عیسی به او گفت گناهان تو بخشیده شد.» و کسانی که بر سر سفره بودند، یعنی سایر فریسیان، با او، با خود گفتند: « این کیست که گناهان را نیز می‌بخشد؟ » و عیسی به زن گفت: « ایمان تو تو را نجات داده است

به سلامت باشید. عیسی پس از دیدار شاگردان یحیی تعمید دهنده، فریسیان و فقها را به باد انتقاد گرفت. اما این روایتی که خواندم، ما را با سناریوی دیگری آشنا می‌کند.

چند نکته از این متن خاص آشکار می‌شود که می‌خواهم وقت بگذارم و آنها را برجسته کنم. لطفاً تصویر کلی را از نظر دور نکنید. یک فریسی بود که عیسی را به خانه‌اش دعوت کرد.

یک فریسی مهمانی را ترتیب داده بود. این مهمانی، مهمانیِ گردهمایی عیسی و شاگردانش با فریسیان بود. پس این را در ذهن خود داشته باشید.

اما ناگهان چیزی شبیه به وقفه پیش می‌آید. در حالی که مهمانی در جریان بود، می‌توانید سناریوی را تصور کنید. فقط تصور کنید که در آمریکا هستید. به وضعیت کباب تابستانی فکر کنید.

یا اگر در تگزاس زندگی می‌کنید، به طور کلی به کباب فکر کنید. به نظر می‌رسد که این چیزی است که از بیرون یا حتی از درون در حال رخ دادن است. به نحوی، یک زن توانسته بود به آنجا نفوذ کند و وارد آنجا شود.

و سپس، به نحوی، این زن که وارد ماجرا شد، کل داستان را به نفع خود تغییر داد. و لوقا می‌گوید که شما باید درباره این زن بیشتر بدانید. من هم همینطور. خوب، این زن کیست؟ قبل از اینکه به شرح حال این زن خاص بپردازم، اجازه دهید توجه شما را به چند نکته در مورد نحوه معرفی این زن در سایر انجیل‌ها جلب کنم.

انجیل‌های دیگر، دو انجیل هم‌نوا، یعنی متی و مرقس، به استثنای مناطقی که به آنها اشاره خواهم کرد اشتراکات زیادی با آنچه لوقا می‌گوید دارند. آنها این روایت را نسبتاً در منطقه‌ای قرار می‌دهند که منطقاً در همان منطقه جغرافیایی است. اما یوحنا چیز متفاوتی به ما می‌گوید.

یوحنا درباره زنی صحبت می‌کند و این زن را در زمینه‌ای متفاوت قرار می‌دهد. یوحنا حتی در ادامه درباره حادثه‌ای مشابه صحبت می‌کند، درباره حادثه‌ای که در بیت‌عنیا تصور شده بود صحبت می‌کند و این زن را با مریم یکی می‌داند. و این مریم است که برادرش ایلعازر است.

مریم و مارتا، خواهران لازاروس، از دوستان خوب عیسی هستند. یوحنا این روایت را کمی متفاوت روایت می‌کند. بنابراین، محققان این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا این دو روایت متفاوت هستند یا یکسان؟ بنابراین، باید بگویم، همانطور که در ادامه توضیح می‌دهم که آیا این دو روایت متفاوت هستند یا یکسان اجازه دهید برخی از کارهایی را که همکارانم در تفسیرها و نوشته‌ها انجام می‌دهند به شما یادآوری کنم، که اگر شما یک محقق نیستید، ممکن است در جایی از مسیر احساس ناامیدی کرده باشید.

به محض اینکه وارد این موقعیت خاص می‌شویم، اجازه می‌دهیم داستان زن بر جریان مسلط شود. مفسران و دیگر محققان دوست دارند در مورد این متن طوری صحبت کنند که انگار همه چیز درباره زنان است. من قصد دارم در مورد زن صحبت کنم.

اما همچنین می‌خواهم که همچنان به یاد داشته باشید که این دعوتی از یک فریسی به خانه یک فریسی برای صرف یک وعده غذایی عالی است. به عبارت دیگر، عیسی دعوت یک فریسی را می‌پذیرد و برای صرف شام در جمع فریسیان می‌رود. این زمینه‌ای است که این اتفاقات در آن رخ می‌دهد.

با این اوصاف، بیایید مقایسه‌هایی انجام دهیم تا ببینیم نویسندگان دیگر انجیل در مقایسه با لوقا، ماجرای آن زن را چگونه به یاد می‌آورند. وقتی شروع به برجسته کردن ویژگی‌های متمایز لوقا می‌کنم، شما کم‌کم متوجه می‌شوید که در لوقا چه می‌گذرد. پس بیایید سعی کنیم این کار را انجام دهیم.

اولاً، اگر به دنبال روایت‌های موازی از این موضوع با زن در متی هستید، در فصل ۲۶ از آیه ۱۶، آیات ۶ تا ۱۳ است که در انتهای متی از نظر نگارش قرار دارد. در مرقس، در فصل ۱۴ از آیات ۹ و ۳ تا ۹ است ۱۳ یوحنا درست پس از حادثه با ایلعازر در فصل ۱۲، آیات ۱ تا ۸ قرار داشت. نکته دیگری که مشاهده می‌کنید این است که در متی و مرقس، این دو نویسنده انجیل با لوقا در شناسایی میزبان به عنوان شمعون موافق خواهند بود. بنابراین، میزبان در هر سه انجیل هم‌نوا شمعون نامیده می‌شود.

با این حال، تفاوت عمده‌ای که هنگام بررسی روایت متی و مرقس مشاهده خواهید کرد این است که آنها شمعون را نه فریسی، بلکه جذامی معرفی می‌کنند. بنابراین، در این مورد، شمعون را در متی و مرقس جذامی می‌یابید و در لوقا، شمعون که در این روایت از او نام برده شده، فریسی است. پس از سخنرانی لوقا در مورد تعامل عیسی با فریسیان و فقها، شاگردان یحیی تعمید دهنده با او تماس گرفتند.

در انجیل یوحنا، می‌بینیم که یوحنا با لوقا موافق است که آن زن پاهای عیسی را مسح کرد. یوحنا همچنین با متی و مرقس موافق است که این رویداد در بیت عنیا در یهودیه رخ داده است. اما در انجیل لوقا، این رویداد در جلیل در شمال رخ می‌دهد.

بنابراین ممکن است از خود بپرسید که چرا محققان فکر می‌کنند ممکن است دو روایت متفاوت وجود داشته باشد و ممکن است برخی شخصیت‌ها جابجا شده باشند یا یک شخصیت مشابه یا شخصیت‌های مختلف با نام یکسان وجود داشته باشند. ببخشید، شمعون. در متی و مرقس، ما با لوقا توافق داریم که نام زن ذکر نشده است. اما برای یوحنا، نه، زن باید نامگذاری شود، و این زن مریم است.

بنابراین، همین مقایسه‌ی سریع باید توجه شما را به این واقعیت جلب کند که اگرچه برخی جزئیات مشابه به نظر می‌رسند، اما تفاوت‌هایی در نحوه‌ی نگاه ما به این بخش خاص در چهار انجیل وجود دارد. به ویژه روایت یوحنا از این جهت که مریم در اینجا شخصیت اصلی می‌شود، بسیار بسیار جالب است. موقعیت جغرافیایی سه انجیل دیگر در مقابل لوقا نیز در تلاش برای فهمیدن اینکه لوقا در اینجا در مورد خدمت عیسی در شمال در جلیل و جایی که با فریسیان و حقوقدانان روبرو می‌شود صحبت می‌کند، قابل توجه است.

و بنابراین، او در شمال، جایی که این اتفاقات در حال رخ دادن است، به خانه یک فریسی می‌رود. در حالی که دیگران می‌گفتند، نه، نه، نه، اینجا در بیت عنیا به اورشلیم نزدیک‌تر است. اما برای تمرکز بر کاری که لوقا انجام می‌دهد، بیایید به ویژگی‌های منحصر به فرد لوقا در این روایت خاص نگاهی بیندازیم تا بفهمیم او می‌خواهد در مورد این زن خاص به ما چه بگوید.

در لوقا فصل ۷، آیات ۳۶ تا ۵۰، او درباره این زن بیشتر به ما می‌گوید، اما به هیچ وجه نمی‌گوید که آن زن مریم بوده است. این نکته اول است. نکته دوم، او به هیچ وجه نمی‌گوید که آن زن فاحشه بوده است.

این یک توصیف اولیه کلیسا بود که پاپ گرگوری اول را به دردر انداخت. کلیسای کاتولیک بعداً عذرخواهی کرد که زن گناهکار فاحشه بوده است، زمانی که خانه‌ای را به عنوان خانه‌ای برای زنی که از فحشا در حال گذار هستند نامگذاری کردند و سپس آن مکان را خانه مگدالا نامیدند. و اینکه این زن مریم مجدلیه باشد و مریم مجدلیه به نوعی فاحشه باشد و از این قبیل، نه. لوقا فقط به ما می‌گوید که این یک زن گناهکار است.

در هیچ یک از چهار روایت انجیل، چه روایت یکسان و چه روایت‌های متفاوت، هیچ‌کدام از آنها این زن را فاحشه توصیف نمی‌کنند؟ او زنی گناهکار بود، اما گناهانش به اندازه کافی برای عموم شناخته شده بود که فریسیان می‌توانستند از آنها ایراد بگیرند. مگر اینکه شما فریسی و عیب‌جوی حرفه‌ای باشید، در غیر این صورت زمان زیادی را صرف بررسی تقوای مردم می‌کردید و می‌توانستید این را تشخیص دهید. با این اوصاف، بیایید به بررسی منحصر به فرد بودن شخصیت‌پردازی لوقا پردازیم.

اولاً، لوقا تنها انجیلی است که میزبان را به عنوان یک فریسی توصیف می‌کند، و سپس در ادامه‌ی توصیف او را شمعون نام می‌برد. او سریع بود زیرا لوقا می‌خواست در این واقعه خاص، شخصیت یک فریسی را به ما نشان دهد. به یاد داشته باشید، او از آنها انتقاد کرد.

عیسی چند آیه قبل از آن، آنها و فقها را مورد انتقاد قرار داد. در این فراز خاص، لوقا چهار بار از این مرد به عنوان فریسی یاد می‌کند و می‌گوید: «باید بدانید که ما با یک فریسی سر و کار داریم» و این تضاد نمی‌تواند از یک زن گناهکار دور باشد. دوم، لوقا زن را به عنوان یک گناهکار معرفی کرد، نه یک فاحشه، اما همانطور که قبلاً گفتم، همیشه باید به یاد داشته باشیم که او به اندازه کافی در جامعه شناخته شده بود که به این عنوان توصیف شود.

سوم، لوقا درباره اشک‌های زن صحبت می‌کند. زن در لوقا گریه می‌کند. در جاهای دیگر، این دقیقاً تصویری نیست که سایر انجیل‌ها از این زن ارائه می‌دهند.

او به جای آب از اشک‌هایش برای شستن پاهای عیسی استفاده می‌کند. حال اگر اجازه دهید کمی مکث کنم تا چند نکته را توضیح دهم، لطفاً اشتباه برداشت نکنیم که این یک رسم بوده است، که مردم گاهی گریه می‌کردند و از اشک‌هایشان برای پاک کردن پاهای کسی استفاده می‌کردند. نه، معمولاً این آب بود که به غریبه‌ای که به خانه می‌آمد تا پاهایش را بشوید، داده می‌شد.

در دنیایی که جاده‌های خاکی وجود دارد، و شما پیاده راه می‌روید، و بهترین صندل‌ها را ندارید، به آمریکا فکر نکنید یا به هر چیز شیک‌تری که در شهرها پیدا می‌کنید فکر نکنید، به جلیل قرن اول فکر کنید. زن با اشک می‌شوید، و می‌بینیم که او در لوقا پاها را خشک می‌کند. برای لوقا، این نه تنها شستن، بلکه خشک کردن پاها نیز هست.

و بعد لوک چیزی می‌گوید. لوک می‌گوید که او پاها را می‌بوسد، چیزی که دیگر نویسندگان انجیل در مورد آن صحبت نمی‌کنند. من دوست دارم از دانشجویانم، به خصوص دانشجویان کالج گوردون، که با آنها خوش می‌گذرانم، بپرسم و همیشه آنها را در کلاس درس اذیت می‌کنم.

فرض کنید آنها برای کباب به خانه من آمده بودند، یک غریبه، زنی که در محله ما به خاطر نداشتن شهرت خوب شناخته شده بود، از راه می‌رسید. و آنها شروع به تعجب می‌کردند که این زن در مهمانی ما چه می‌کند. اینها بچه‌های کالج گوردون هستند که اینجا پرسه می‌زنند و از کباب لذت می‌برند.

او اینجا چه کار می‌کند؟ و فرض کنید که آنها شروع به پیدا کردن این زن در حال انجام کارهای عجیب و غریب کرده‌اند. وقتی او شروع به گریه می‌کند، اشک از گونه‌هایش جاری می‌شود.

و او با اشک‌هایش پاهایم را پاک می‌کند. و سعی می‌کند با موهایش چیزها را پاک کند. اوه، در یک کلاس، یک زن گفت، این رمانتیک و مشکوک است.

و من گفتم، بله، می‌دانم منظورتان از این حرف چیست. می‌بینید، این کار با عیسی در چارچوب فریسیان و گروهی از فریسیان انجام شد. قبل از اینکه آنقدر خودبین شوید که فریسیان را محکوم کنید، از خود بپرسید که واکنش شما هنگام مشاهده تمایز تصویر لوقا چیست.

چون لوقا سریعاً به شما می‌گوید که عیسی برای گناهکاران و مطرودان آمد. گاهی اوقات، ممکن است رفتار آنها بهترین نباشد. گاهی اوقات، ممکن است حساسیت‌های آنها بهترین نباشد.

اما عیسی هم برای آنها و هم برای ثروتمندان و افراد محترم آمد. این زن کاری را انجام می‌داد که من و شما تحت هر شرایطی، باید بگوییم، چه؟ چرا عیسی باید این کار را می‌کرد؟ پس لطفاً خیلی زود در مورد شمعون قضاوت نکنید. وقتی او این سوال را مطرح کرد، من فکر کردم این مرد یک پیامبر است.

و اگر او واقعاً یک پیامبر واقعی بود، باید می‌دانست این زن کیست، کسی که این همه ژست‌های عاشقانه را اینجا بازی می‌کند. لوقا با نشان دادن برخی از تمایزات ظریف در اینجا ادامه می‌دهد. او گفت: «آن زن از اشک‌ها، شستشوها و پاک کردن‌هایش استفاده کرد، و با این حال به مسح پاهای او ادامه می‌دهد.»

او نه تنها پاها را مسح می‌کند، بلکه عیسی نیز پاها را با مرمر، روغن موجود در ظرف مرمرین او، مسح می‌کند. این ظرف گرانبها و ظریف است. روغن گرانبها و عطر گرانبها به عیسی داده می‌شود.

اوه بله. اگر آمریکا باشد، می‌دانم به چه فکر خواهید کرد. این برای عیسی مسیح زیادی رمانتیک است که آن را بپذیرد.

بله. به همین دلیل است که وقتی شمعون این سوال را پرسید، عیسی از او خواست که به سناریوی دو نفر گوش دهد که یکی خیلی بدهکار است و دیگری خیلی کم، چه اتفاقی می‌افتد.

و کسی که هر دو به او بدهکار بودند، بخشید. عیسی از شمعون پرسید، شمعون، به نظر تو کدام یک در پاسخ به بخشش بدهی، سپاسگزارتر خواهد بود؟ خب، عیسی شمعون را متقاعد کرد که موافقت کند.

و عیسی از شمعون خواست که با کلمات خودش بگوید. این دلیل خوبی است که آن زن کاری را که انجام می‌داد، انجام دهد. البته، او بخشش زیادی دریافت کرده است.

این نکته در آن مَثَلی که لوقا به ما می‌دهد و هیچ انجیل دیگری ارائه نمی‌دهد، تلویحاً وجود دارد. حتی ممکن است که آن زن قبلاً در جای دیگری بخشیده شده باشد. آن زن عیسی را دید و اینجا بود تا نهایتاً سپاسگزاری خود را نشان دهد.

ما مطمئن نیستیم که آیا این همان چیزی است که اتفاق می‌افتد یا خیر. اما به طور ضمنی در این تمثیل آمده است که فریسی که با عیسی روبرو شده و شاهد تغییر زندگی او بوده است، او را به خانه‌اش دعوت کرده است. خب، اگر چنین باشد، پس شاید شخصیت‌های این دو تمثیل، زنی باشند که گناهکار شناخته شده برای عموم بود و بخشیده شد.

و یک فریسی که بخشیده شد. و این دو با هم هستند. و عیسی از شمعون پرسید، شمعون، چه کسی باید اینقدر هیجان زده باشد که اینقدر بخشیده شده است؟ وقتی او شمعون را متقاعد می کند، می تواند به زن اشاره کند و بگوید، هی، دوست من، می بینی؟

حالا، بفهمید که چه اتفاقی برای این زن می افتد. تنها لوقا است که از کلمه عشق استفاده کرده تا توضیح دهد کسانی که به آنها زیاد داده شده، زیاد عشق می ورزند. لطفاً اینجا ایده های رمانتیک نگیرید

این یک مسئله جدی است. لوقا ادامه می دهد و می گوید که عیسی به این زن خواهد گفت که بخشیده شده است. و به محض اینکه او گفت که او بخشیده شده است، تمام حضار بسیار عصبانی شدند

چون عیسی گفت، آن زن بخشیده شد. این حرف باعث واکنش کاملاً فریسی گونه ای شد. تصور کنید که همه با هم همخوانی کردند

عیسی گفت آن زن بخشیده شد. و ما در آزمایش گفته شده ایم. کسانی که آنجا حضور دارند، دیگر فریسیان، چه کسی می داند چه کسی هنوز دارد چه چیزی را می جود؟ در مهمانی کباب

چه چیزی شنیدیم؟ واکنش را تصور کنید. آیا او می گوید که آن زن را هم بخشیده است؟ چه کسی حق بخشش دارد؟ آنها فریسی هستند. آنها می دانند که فقط خدا می تواند چنین کاری انجام دهد

به همین دلیل، عیسی در جاهای مختلف با فریسیان مختلف به مشکل برمی خورد. او گناهان را می بخشد. و من فکر می کنم فقط خدا باید بتواند چنین قدرتی داشته باشد

اما در اینجا، لوقا گفت، بله. او همچنین گفت، عیسی نیز در مقابل فریسیان گفت که آن زن بخشیده شده است. لوقا به تنهایی کسی است که در مورد اعتراض به بخشش صحبت کرده است

و وداع، که در آن عیسی به زن می گوید که با آرامش برو. ۱۲ نکته ای که من در مورد ویژگی های متمایز لوقا مطرح کرده ام. به همین دلیل است که برخی از محققان استدلال کرده اند که شاید روایت لوقا متفاوت باشد.

اما قبل از اینکه بیشتر در مورد آنچه لوقا در اینجا انجام می دهد فکر کنیم و تأمل کنیم، می خواهم ذهن شما را در مورد نکته اصلی آنچه لوقا در اینجا انجام می دهد، تازه کنم. در مانیفست لوقا فصل ۴، او همچنین می گوید وقتی روح خدا بر او نازل شد

و او را مسح کرد تا مژده را موعظه کند. او را مسح کرد تا مژده را به فقرا موعظه کند. عیسی برای مطرودین آمده است.

و لوقا به ما یادآوری می کند که کسانی که در حاشیه هستند، افراد حاشیه ای هستند، افرادی که مردم از آنها بیزارند. گاهی اوقات، حتی رفتار آنها هم به حساب نمی آید. عیسی برای آنها آمد

لوقا به ما یادآوری خواهد کرد که کسانی که بسیار بسیار گناه کرده اند، همچنان توجه عیسی را به خود جلب خواهند کرد و عیسی آنها را خواهد بخشید. این تیم لوقا است که با تئوفیلوس ارتباط برقرار کند

آن تئوفیلوس، بله، تئوفیلوس گفت. عیسی برای بالاترین [چیز] آمد. اما او همچنین برای پایین‌ترین [چیز] آمد.

و او برای همه چیز بین این دو آمد. جزئیات دقیق، ناشیانه بودن حرکت قدردانی یک زن گناهکار را در خانه یک فریسی نشان می‌دهد. بنابراین، اجازه دهید توجه شما را به چند نکته کلیدی در مورد حرکت این زن جلب کنم.

پنج نکته‌ای که در اشاره او به آنها اشاره کردم، چیزهایی هستند که برای من برجسته هستند. او پاها را مسح کرد، نه سر را. او پاها را با اشک‌هایش شست.

او پاها را با موهایش پاک کرد، نه با حوله. او پاها را به نشانه ابراز محبت بوسید. آیا متوجه هستید که در حین این اتفاق، واکنش شمعون همان واکنشی است که یک فرد ایده‌آل باید داشته باشد؟ او از اینکه به عنوان یک فریسی، این همه فریسی دیگر را با خود همراه کرده، احساس شرمندگی می‌کند.

آنها به عنوان افرادی پرهیزگار شناخته می‌شوند. آنها دوست دارند در خیابان قدم بزنند. عیسی حتی در مورد روزهایی که آنها روزه می‌گیرند صحبت می‌کند.

آنها دو بار در هفته روزه می‌گیرند. در روزهایی که روزه می‌گیرند، مردم کوچک می‌دانند که آنها روزه می‌گیرند. آنها پرهیزگار و مقدس هستند، همانطور که ما در روستای خودمان می‌گفتیم؛ آنها به تقدس و پاکی اعتقاد دارند.

و حالا در مقابل آنها، انگار دعوت شمعون بدترین گناهکار را به حضور عیسی جذب کرد. خواهش می‌کنم نمی‌دانم که آیا تا اینجای این سخنرانی خاص، در مورد قلب عیسی مسیح به شما چیزی گفته‌ام یا نه. چیزی که لوقا می‌خواهد شما بدانید.

او آمد تا گناهکاران بخشیده شوند. او آمد تا گناهکاران احساس دوست داشته شدن کنند. او آمد تا طردشدگان احساس پذیرفته شدن و پذیرفته شدن کنند.

وقتی در مورد دیدگاه‌های مربوط به آنچه در لوقا می‌گذرد صحبت می‌کنیم، متوجه تغییرات قابل توجهی در نحوه ارائه این روایت توسط سایر نویسندگان انجیل می‌شویم. زیرا لوقا می‌خواهد این نکته را روشن کند. در جمع فریسیان، عیسی به حرکت یک زن گناهکار اذعان کرد.

تصویر یک فریسی در لوقا به وضوح اغراق‌آمیز است. لوقا چهار بار از او نام می‌برد و به طور ضمنی سعی می‌کند تضادی بین زن و فریسیان ایجاد کند. برخی فکر می‌کنند که لوقا برخی از روایت‌های کتاب دوم پادشاهان را دوباره ارائه می‌دهد.

اما به نظر من، چیزی که به نظر می‌رسد در جریان است، به طور بالقوه دو روایت متفاوت از آنچه دیگر نویسندگان انجیل کنار هم گذاشته‌اند، است. زنی که گناهکار بود. زنی که گناهکار بود.

آن زن گناهکار، مهمان‌نوازی زیادی از عیسی نشان داد، تا جایی که میزبان، فریسی، نمی‌توانست آن همه مهمان‌نوازی را نشان دهد. آن زن گناهکار، عیسی را با گران‌ترین عطر مسح کرد.

شاید او این را حتی از راه گناه آلودش به دست آورده باشد، ما نمی‌دانیم. بله، در برخورد با زنی که به عنوان یک زن گناهکار شناخته می‌شود، یک فریسی گستاخی می‌کند تا اعتبار عیسی را زیر سوال ببرد، چه او بصیرت نبوی داشته باشد چه نداشته باشد. عیسی می‌خواست به شمعون اطلاع دهد.

او از مهمان‌نوازی دریغ کرده بود، اما زن گناهکار فراتر از انتظار مهمان‌نوازی نشان داده بود. به همین دلیل است که بخشش سهم او می‌شود. اصل مطلب همین است و می‌خواهم این گفتگو را با زن گناهکار به پایان برسانم.

اصل مطلب این است. اول. عیسی کمی پس از آنکه فریسیان و فقیهان را به خاطر انتظارات نادرست محکوم کرد، آماده شد.

او آماده بود دعوت فریسیان را بپذیرد تا به خانه‌اش برود و با آنها شام بخورد. اگر شما یک رهبر مسیحی هستید و در این مجموعه سخنرانی‌ها به من گوش می‌دهید، لطفاً به این نکته توجه کنید. عیسی از یک طرف فریسیان را محکوم کرد، اما او محکومیت کاملی ارائه نداد تا بگوید به همین دلیل، من با هیچ فریسی‌ای سروکار نخواهم داشت.

وقتی یک فریسی که به نظر می‌رسید بخشیده شده است، او را به خانه‌اش دعوت کرد، هرچند این دعوت شخصی و صمیمانه بود، او دعوت را پذیرفت و به خانه فریسی رفت. بله، عیسی می‌توانست از میدان جنگ، صلیبی به خانه یک فریسی با یک فریسی برود تا شاید با دیگر فریسی‌ها مهمانی کباب برگزار کند. دوم. شمعون فریسی آنقدر شیفته تقوا بود.

اگر به زبان او در این گفتمان خاص توجه کنید، متوجه می‌شوید که او می‌خواست بر گناهکار بودن آن زن تأکید کند. و از اینکه عیسی حتی نمی‌توانست این موضوع را در مورد این زن ببیند، ناراحت بود. البته، او به عنوان یک فریسی، دوست دارد عیب‌جو باشد.

سیمون همچنین فرض کرد که در روایت گسترده‌تر لوقا، که عیسی را به عنوان یک عیسی نبوی به تصویر می‌کشد، سیمون، لوقا در اینجا سعی دارد چیزی به ما بگوید. اینکه وقتی یحیی تعمید دهنده آمد و شاگردانش را فرستاد تا بیایند و از عیسی پرسند، آنها با پیامی بازگشتند که حاکی از رسالت نبوی بود. اما معجزات و شفا تنها چیزهایی هستند که با اعلام کلام اتفاق می‌افتند.

در این مورد، لوقا هنوز هم از مضمون نبوی بودن عیسی پیروی می‌کند، اما او همچنین سعی کرد به ما بگوید که، اوه، در حالت ایده‌آل، یا شاید، شمعون فرض می‌کرد که عیسی باید یک پیامبر باشد. اما او شروع به زیر سوال بردن این کرد که آیا او یک پیامبر واقعی است و چه چیز واضحی وجود دارد که باید شناخته شود. این موضوع به طور ضمنی در این مورد وجود دارد.

شمعون گمان کرده بود که با یک پیامبر، یعنی عیسی پیامبر، سر و کار دارد. با این حال، از نظر او، یک عیسی پیامبر، قدرت تشخیص خوبی نداشت. او به زودی متوجه خواهد شد که عیسی پیامبر می‌داند چه می‌کند.

در اینجا در این تمثیل می‌بینیم که عیسی نشان خواهد داد کسانی که بسیار بخشیده شده‌اند، این قدردانی را در بالاترین حد نشان خواهند داد، و این همان کاری است که زن انجام می‌دهد. وقتی از آنها می‌پرسند که آیا عیسی می‌توانست گناه را ببخشد، همانطور که قبلاً گفتم، بله، عیسی می‌توانست گناه را ببخشد. بنابراین اجازه دهید این جلسه را با کلمات خود لوقا از آیات ۳۷ تا ۵۰، زمانی که او می‌نویسد، به پایان برسانم. بنابراین، به شما می‌گویم، او، زنی که گناهکار است، گناهاش که بسیارند، بخشیده می‌شوند.

زیرا او بسیار محبت می‌کرد، اما کسی که کمتر بخشیده می‌شود، کمتر محبت می‌کند. و به او گفت: «گناهان تو بخشیده شد.» آنگاه کسانی که با او بر سر سفره بودند، یعنی فریسیان، با خود گفتند: «این کیست که گناهان را نیز می‌بخشد؟» «و به زن گفت: ایمان تو تو را نجات داده است»

به سلامت باشید. دوستان، اگر در این مجموعه سخنرانی‌ها من را دنبال کرده‌اید، می‌دانید که تا زمانی که زندگی‌تان را به شما یادآوری نکنم، صحبت‌هایم را متوقف نمی‌کنم. نمی‌دانم شما در مسیرتان با مسیح، به عنوان یک مسیحی یا به عنوان یک جوینده که سعی در شناخت بیشتر مسیحیت دارد، در کجای مسیر هستید.

شما می‌توانید به اندازه فریسیان خودبین باشید. می‌توانید مانند فریسیان عیب‌جو باشید. من شما را تشویق می‌کنم که فیضی را که با خدمت عیسی همراه است، درک کنید.

نپرسید که چرا او گناهکاران را دوست دارد. لوقا بارها و بارها به ما خواهد گفت. او آمد

و برای همه مردم آمد. اما شاید شما در گناه گرفتار شده‌اید. و از نظر مردم، شما به عنوان یک فرد وحشتناک شناخته می‌شوید.

بگذارید به شما یادآوری کنم که عیسی گناهان این زن را بخشید. او آرامش را به زندگی او بازگرداند. اگر به سوی او بیایید، او همیشه مایل به بخشش است.

او از شما چیز زیادی نمی‌خواهد. او فقط می‌خواهد که شما بیایید و از او طلب بخشش کنید. اما به یاد داشته باشید که وقتی این کار را می‌کنید، اصل دیگری نیز از این متن می‌آموزیم.

افراد هستند که شما را بر اساس گذشته‌تان قضاوت می‌کنند. ممکن است با شما مهربان نباشند. اما خبر خوب این است که عیسی قلب شما را می‌شناسد.

او می‌داند چه چیزی شما را به این سمت سوق می‌دهد. آن زن گناهکار، فاحشه نبود. آن زن گناهکار، مریم. مجدلیه نبود.

او بی‌نام بود. و این حقیقت که او بی‌نام بود، یعنی ممکن است تو باشی. ممکن است من باشم.

عیسی مسیح در دسترس و آماده است اگر هر یک از ما هنوز به دعوت او برای آمدن به سویش گوش فرا دهیم. او قلبی بزرگ برای بخشیدن و عشق ورزیدن دارد. از شما بسیار سپاسگزاریم که این مجموعه را با ما دنبال کردید.

و امیدوارم در طول این جلسه خاص با عیسی و زن گناهکار، برخی چیزها در ذهن شما روشن شود. به همین دلیل است که او آمد. او آمد تا شما، منظورم شما و من است.

این دکتر دن دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه دهم، عیسی و زن گناهکار، لوقا ۷ است. ۳۶-۵۰.